



بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۹۱ - ۱ / فروردین / ۱۳۹۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و الصلّٰة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی ءاله الأطیبین
الأطهرین المنتجبین سیما بقیة الله فی الأرضین.

خداوند متعال را از اعماق دل سپاسگزارم که به ما فرصت و توفیق داد تا یک بار دیگر و یک سال دیگر در جوار بارگاه آسمانی حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (سلام الله علیه) با شما مردم عزیز، جوانان عزیز، چه مردم عزیز مشهد و مجاوران، چه زائران محترم، برادران و خواهران دیدار کنیم و روز آغازین سال را متبرک شویم به نشستن در زیر سایه‌ی حریم این بزرگوار و مرقد مبارک ایشان.

عید نوروز و حلول سال جدید را تبریک عرض میکنم و امیدوارم این سالی که در آن وارد شدیم، برای همه‌ی ملت ایران سال شادی، گشایش، دلخوشی، نشاط و فعالیت و توفیق در راه کسب معارف حقه و تقوای الهی بوده باشد.

در این دیدار، چند مطلب را با شما برادران و خواهران در میان میگذارم. مطلب اول، نگاه کوتاهی است به آنچه که در سال گذشته بر ما و ملت ما و کشور ما و در رابطه‌ی با ما در جهان و در منطقه گذشت. علت اینکه به مسائل سال ۹۰ و عمدتاً به موفقیت‌های ملت ایران در این سال میپردازم، رجزخوانی‌های دشمنان و بدخواهان ما در مقابل ملت عزیز ماست. سران استکبار، تکیه‌دهندگان بر مسندهای زر و زور و همچنین خرده‌ریزهای اینها در منطقه‌ی خود ما، با همه‌ی توان - توان مالی‌شان، توان تبلیغاتی‌شان، توان سیاسی‌شان - سعی میکنند ملت ایران را مرعوب کنند، ملت ایران را مایوس کنند. هر کسی تبلیغات سیاسی بدخواهان ملت ایران را دنبال کرده باشد، این را درمی‌یابد که تلاش‌های عملی، تلاش‌های اقتصادی، تلاش‌های سیاسی، تهدیدهای امنیتی و نظامی، همه برای این است که این موجود فعال، زنده، پرنشاط و پرهمت توانا، یعنی ملت ایران را که در وسط میدان با شجاعت تمام ایستاده است و در حال حرکت به جلو است، از پیشروی باز دارند، او را ناامید کنند، او را از حضور در این عرصه بترسانند. در حقیقت در



مقابل شعار «ما میتوانیم» که امام بزرگوار این شعار را به ما تعلیم داد، انقلاب به ما جرأت داد که بگوئیم «میتوانیم»، میخواهند به ملت ایران بقبولانند که شما نمیتوانید؛ با همه‌ی توان در پی این هستند که این هدف را دنبال کنند. سال 90 اوج فعالیت‌های آنها بود. و من می‌خواهم بر روی این نکته تکیه کنم که علی‌رغم آنها، به کوری چشم آنها، ملت ایران در سال 90 با حرکات خود، با پیشرفت خود، با تصمیم‌گیری‌های خود، به همه‌ی دنیا، از جمله به دشمنان، باز هم به طور مکرر فهماند که «ما میتوانیم».

اگر بر روی نقاط مثبت و نقاط قوت تکیه می‌کنم، برای این است که ثابت شود ملت ایران این توانائی‌ها را به کار برد و علی‌رغم میل بدخواهان که می‌خواستند ثابت کنند ملت ایران نمیتواند، ملت ایران ثابت کرد که میتواند. از نقاط ضعف بی‌اطلاع نیستیم، نقاط ضعف هم داریم؛ اما در جمع‌بندی نهائی، نقاط قوت بسیار بیشتر از نقاط ضعف است.

سال 90 را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کردیم؛ لذا من از مسائل اقتصادی آغاز می‌کنم. تحرك اقتصادی مسئولین کشور با همراهی مثال‌زدنی و تحسین‌برانگیز مردم در طول سال 90 قابل ذکر است. از جمله‌ی آنچه که میتوان در این زمینه مطرح کرد، همین مسئله‌ی هدفمندی یارانه‌هاست. همه‌ی کارشناسان اقتصادی، چه در دولتهای قبلی، چه در دولت کنونی متفق‌القولند که هدفمندی یارانه‌ها برای کشور يك نیاز و يك ضرورت است؛ همه این را اعتراف کرده‌اند. با وجود اینکه این معنا مورد اتفاق همه بوده است، اما این اقدام لازم به خاطر دشواری‌هایش، به خاطر پیچیدگی‌هایش، بر زمین مانده بود. دولت و مجلس در سال 90، در شرائط تحریم، در شرائطی که دشواری و پیچیدگی این کار بیشتر از همیشه است، همت کردند، اقدام کردند و مراحل مهمی از این کار را پیش بردند. کار تمام نشده است؛ اما آنچه که تاکنون مسئولان کشور - چه در دولت، چه در مجلس شورای اسلامی - اقدام کرده‌اند و پشتیبانی و همدلی و همراهی ملت، آنها را قرین موفقیت کرده، بسیار مهم و قابل توجه است.

هدفهای عمده‌ی این قانون، چند مطلب بسیار اساسی است که من اشاره می‌کنم. آحاد مردم عزیز ما اینها را شنیده‌اند، لیکن باید تأمل و تعمق کنند. این کار، کار بزرگی است؛ کار مهمی است. یکی از هدفهای این قانون عبارت است از توزیع عادلانه‌ی یارانه‌هایی که نظام و دولت به مردم میدهد. من قبلاً در يك صحبتی شرح دادم که یارانه‌ها همیشه به صورت نامتعادل و غیر عادلانه در بین قشرهای مختلف مردم تقسیم میشده است؛ طبیعت کار یارانه‌ی عمومی همین است. با هدفمندی یارانه‌ها، در واقع يك تعادلی، يك اجرای عدالتی در تقسیم و توزیع یارانه‌ها وجود پیدا کرده است. و من خبرهای موثقی از سراسر کشور دارم که حاکی از آن است که این کار در بهبود زندگی طبقات ضعیف نقش مؤثر داشته است. این یکی از هدفهاست، که مهمترین هدف و مقصد از این قانون هم همین است.



يك هدف ديگر، اصلاح ساختار توليد و اصلاح ساختار اقتصاد کشور است. چرخه‌ی توليد در کشور، چرخه‌ی معيوبی بوده است. آنچه را که ما در مجموعه‌ی توليدی کشور به دست می‌آوردیم، با مصرف بیشتر، هزینه‌ی بیشتر و دستاورد و بازده کمتر بوده است. طبق تشخيص کارشناسان اقتصادی - که همه بر آن اتفاق نظر دارند - هدفمندی يارانه‌ها ميتواند این را اصلاح کند؛ حالت پرمصرف و کم‌بازده را از توليد کشور بستاند و مصرف و بازده را در توليد متعادل کند.

يك هدف ديگر، مدیریت مصرف حامله‌های انرژی است. ما چون يك کشور نفت‌خيز بودیم، از اول عادت کردیم بنزین را، گاز را، گازوئیل را، نفت سفید را بدون ملاحظه مصرف کنیم. مصرف ما از مصرف بسیاری از کشورها - شاید به يك معنا از همه‌ی کشورها - بیشتر و بی‌رویه‌تر بوده است. این هدفمندی يارانه‌ها، کشور را به صرفه‌جویی در مصرف حامله‌های انرژی میکشاند. آمارهائی که منتشر شده است و آماره‌های مورد قبول است، به ما نشان میدهد که تا همین امروز اگر قانون هدفمندی يارانه‌ها اجرا نمیشد، مصرف بنزین در کشور تقریباً دو برابر مصرفی بود که امروز انجام میگیرد. وقتی که توليد داخلی بنزین به قدر مصرف نیست، ما مجبوریم چه کار کنیم؟ باید بنزین را وارد کنیم؛ یعنی دست ملت ایران زیر کارد بدخواهان و دشمنان باشد. با این کار، صرفه‌جویی شد. امروز مصرف بنزین در کشور، تقریباً به قدر توليد داخلی است؛ احتیاج به واردات بنزین نداریم؛ این برای کشور يك امتیاز بزرگ است. این کار در سال 90 انجام شد؛ در همان وقتی که دشمنان ما، ما را تحریم کردند؛ برای اینکه ملت را به زانو در بیاورند؛ اما جوانان ملت همت کردند، با این کارها توانستند نقشه و توطئه‌ی دشمن را خنثی کنند.

يك عرصه‌ی مهم اقتصادی ديگر که در سال 90 با همت این ملت انجام گرفته است، عرصه‌ی علم و فناوری است. علم و فناوری یکی از پایه‌های اقتدار اقتصادی يك ملت است. يك ملت با داشتن دانش پیشرفته، فناوری پیشرفته، هم به ثروت میرسد، هم به استغنای سیاسی میرسد، هم آبرومند میشود، هم دستش قوی میشود. به خاطر کلیدی بودن مسئله‌ی پیشرفت علم و فناوری، من نسبت به این مسئله حساسم. از راه‌های مختلف، کانالهای مختلف، گزارشهای متفاوتی را تقریباً به طور مستمر دریافت میکنم و ميتوانم به شما قاطعانه عرض کنم که سطح پیشرفته‌های کشور بسیار بیشتر از آن چیزی است که تاکنون به اطلاع مردم رسیده است.



بر اساس گزارش مراکز علمی معتبر دنیا - این گزارش مربوط به مراکز علمی خود ما نیست - سریع‌ترین رشد علمی جهان، امروز در ایران دارد انجام میگیرد. در سال 90 که تقریباً برابر بود با سال 2011 میلادی، گزارش مراکز علمی معتبر این است که در سال 2011 - که سه ماه پیش این سال تمام شد - ملت ایران نسبت به سال قبل، یعنی سال 2010 میلادی، رشد علمی و پیشرفت علمی‌اش بیست درصد افزایش داشته است. معنای اینها چیست؟ در شرائطی که دشمنان ملت ایران بر روی سقوط ملت ایران شرطبندی میکردند و میگفتند ما تحریمهای فلج‌کننده را برای ملت ایران در نظر گرفتیم، ملت ایران اینجوری عمل کرده است.

گزارش میدهند - این هم باز گزارش مراکز علمی معتبر دنیاست - که در منطقه، ایران در رتبه‌ی اول سطح علمی، و در کل جهان در رتبه‌ی هفدهم است. این گزارش کسانی است که اگر بتوانند گزارش خلاف علیه ما بدهند، امتناع نمیکنند؛ این را اینجور اعتراف میکنند. سال 90 ما در زیست‌فناوری پیشرفت کردیم، در نانوفناوری پیشرفت کردیم، در هوافضا پیشرفت کردیم - که ماهواره‌ی نوید پرتاب شد - در صنعت هسته‌ای پیشرفت کردیم، که غنی‌سازی بیست درصد محصول سال 90 است. این غنی‌سازی بیست درصد، همان چیزی است که در سال 89 آمریکائی‌ها و دیگران برای تولید آن شرط گذاشتند. ما میباید برای مرکز اتمی آزمایشگاهی تهران که مال رادیوداروهاست، اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد تهیه می‌کردیم؛ چون سوخت بیست درصدمان تمام شده بود. آنها برای این کار شرط گذاشتند و گفتند باید اورانیومی را که تولید کرده‌اید، خارج بفرستید؛ اما ما قبول نکردیم. آمریکائی‌ها دولت برزیل و دولت ترکیه را واسطه کردند که با ما صحبت کنند، میانه را بگیرند؛ چیزی مورد توافق به وجود بیاید. ما قبول کردیم. مسئولین ترکیه، مسئولین برزیل به اینجا آمدند و با رئیس‌جمهور ما نشستند بحث کردند، صحبت کردند و یک نوشته‌ای را امضاء کردند. بعد که این توافقنامه امضاء شد، آمریکائی‌ها زدند زیر قولشان! آنها نمیخواستند این قرارداد امضاء بشود؛ میخواستند امتیاز زیادی بگیرند، زورگوئی کنند، باج بگیرند. به خاطر بدقولی‌ای که آمریکائی‌ها کردند، دولت برزیل و دولت ترکیه پیش ما شرمند شدند. ماجرای این بیست درصد این است.

با وجود این همه مشکلات، این همه مانع‌تراشی‌ها، جوانان ما گفتند خودمان درست میکنیم. در سال 90 اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد را اینها برای سایت هسته‌ای تهران تولید کردند و آن را به دنیا اعلام کردند؛ دشمنان ما ماندند متحیر! با اینکه میدانند مرکز هسته‌ای تهران مخصوص رادیوداروهاست - یعنی برای نیاز بیمارستانها و آزمایشگاه‌های ما در سرتاسر کشور است و هزاران بیمار به این رادیوداروها احتیاج دارند - درعین حال نمیدادند، نمیفروختند، شرط می‌گذاشتند، باجگیری میکردند. جوانان ما خودشان آن را تهیه کردند. کار پیچیده‌ای هم بود، کار سختی هم بود، اما از عهده برآمدند و انواع و اقسام رادیوداروها الان در همین مرکز تهران با سوخت داخلی تولید میشود. این مال سال 90 است.



در سال 90، در همین صنعت هسته‌ای، تولید صفحه‌ی سوخت را در کشور انجام دادند؛ که اگر من بخواهم آن را هم شرح بدهم، طولانی میشود. اجمالاً، آن وقتی که صحبت تبادل اورانیوم تولید داخل بود، میگفتند اورانیوم سه و نیم درصد را به روسیه بدهید، روسیه 20 درصد کند؛ او بدهد به فرانسه، فرانسه صفحه‌ی سوخت درست کند، بدهد به شما؛ یعنی هفت خان رستم! دانشمندان ما، جوانان ما گفتند ما خودمان این صفحه‌ی سوخت را درست میکنیم؛ همت کردند، درست کردند، گزارش دادند، نشان دادند. این مال سال 90 است.

افزایش شش برابری داروهای نو ترکیب، افزایش صادرات کالا و خدمات دانش بنیان؛ اینها همه مربوط به سال 90 است. اینها بخشی از دستاوردهای «سال جهاد اقتصادی» است. اینها پیشرفت علمی است، پیشرفت فناوری است، نشان دهنده‌ی اقتدار علمی کشور است، اما دارای تأثیر مستقیم اقتصادی برای کشور است. جهاد اقتصادی یعنی این.

من در پایان سال 90 - در همین هفته‌ی گذشته - بازدید داشتم از پژوهشگاه صنعت نفت. انسان در آنجا چیزهایی را مشاهده میکند که نظائر آن را در بعضی از بازدیدهای دیگر، در پژوهشگاه‌های گوناگون علمی کشور می‌بیند و به این نتیجه میرسد که اینها استثناء نیست؛ قاعده است. این پدیده‌های مهم که یک روزی ملت ما در خواب هم این پیشرفتها را نمیدید، تحقق پیدا کرده و به شکل قاعده درآمده است.

من چند تا از این خصوصیات و پدیده‌هایی را که در آنجا مشاهده کردم، به شما عرض میکنم. در درجه‌ی اول، روحیه و فکر جهادی حاکم بر مجموعه بود. آن مجموعه‌ی دانشمندان با روحیه‌ی جهادی کار میکردند؛ مثل اینکه دارند جهاد میکنند، مثل اینکه در جبهه‌ی جهاد فی سبیل الله‌اند. فرق میکند اینکه کسی برای پول، برای مقام، برای شهرت یا فقط برای خود علم کار کند؛ یا نه، به عنوان جهاد فی سبیل الله کار کند، در راه خدا تلاش کند. این روحیه، حاکم بر این مجموعه و مجموعه‌های علمی ماست؛ این خیلی ارزش دارد.

خصوصیت دوم این بود که من دیدم این دانشمندان ما این تحریم‌هایی را که بر ملت ما تحمیل کرده‌اند، فرصت



میدانند. در خلال این بازدید مفصل طولانی‌ای که داشتیم، چند نفر به من گفتند الحمدلله که ما را تحریم کردند! ما به خودمان آمدیم، به خودمان پرداختیم، از درون جوشیدیم. این روحیه‌ی احساس فرصت بودن تحریم دشمنان، خیلی باارزش است. لذا ساخت داخلی را جدی گرفتند، به جوانها میدان دادند، به ابتکارات و خلاقیتها میدان دادند و همین طور مرتب کار دارد پیش میرود؛ مثل چشمه‌ی جوشانی دارد کار میجوشد.

خصوصیت سومی که من در اینها دیدم، اعتماد به نفس بالاست. بعضی از بخشهای صنعت نفت هست که صرفاً در انحصار سه چهار تا کشور در دنیا است؛ اجازه نمیدهند کس دیگری در حریم این صنایع و فناوریها وارد شود. کشور ما هم در طول این سالهای طولانی، در زمینه‌ی اینگونه کارهای پیچیده و مهم، همیشه از آنها خواسته، از آنها گرفته، به آنها پول پرداخته. من دیدم اینها همت گماشته‌اند و میگویند ما میتوانیم، خودمان میکنیم، خودمان میسازیم. این اعتماد به نفس برای یک ملت، برای دانشمندان یک ملت، برای جوانان یک ملت، خیلی باارزش است.

خصوصیت دیگر، جوانگرایی است. کار دست جوانهاست، سررشته‌ی امور دست جوانهاست. جوان مرکز نوآوری است، مرکز خلاقیت و ابتکار است.

خصوصیت دیگر، ارتباط صنعت با دانشگاه است؛ که این از آرزوهای دیرینه‌ی بنده است. همیشه به مسئولان گوناگون بخشهای مرتبط دولتهای گذشته سفارش میکردم که سعی کنید بین صنعت و دانشگاه ارتباط برقرار کنید. خوشبختانه در اینجا دیدم که این ارتباط برقرار شده است. البته این باید عمومیت پیدا کند و همه‌ی صنایع ما با دانشگاهها مرتبط شوند، به دانشگاهها متصل شوند؛ هم دانش ما رشد میکند، هم صنعت ما رشد میکند. این خصوصیات را من در آنجا دیدم، اما اینها مخصوص این مرکز علمی و فناوری نفت نیست؛ این را در بازدیدهای دیگر هم مشاهده کردم. این نشان‌دهنده‌ی این است که در کشور قاعده بر این جاری است؛ حرکت، چنین حرکتی است.

این، بخش اقتصادی در سال 90 بود؛ سالی که از اول تا آخر آن، عربده‌ی دشمنان و بدخواهان ملت ایران بلند بود؛ گاهی تهدید کردند، گاهی فشار سیاسی آوردند، گاهی تحریم کردند. عوامل دولت آمریکا امروز در سراسر دنیا دارند



تلاش میکنند برای اینکه بتوانند تحریمها را عملی کنند، به خیال اینکه به ملت ایران ضربه بزنند و بین ملت ایران و نظام اسلامی جدائی ایجاد کنند.

در سال 90 دستاوردهای بزرگ دیگری هم بوده است؛ از جمله دیپلماسی فعال سال 90 در مسائل منطقه. برگزاری اجلاس بیداری اسلامی، اجلاس فلسطین، اجلاس خلع سلاح، اجلاس جهان بدون تروریسم، اجلاس جوانان بیداری اسلامی، فعالیتهائی بود که در تهران انجام گرفت؛ نظام جمهوری اسلامی شد مرکز توجه دنیای اسلام که امروز بیدار شده است.

در زمینه‌ی خدمات اقتصادی، ده‌ها هزار خانه و مسکن ساخته شد و در اختیار مردم قرار گرفت. این آمارها، آمارهای بزرگی است؛ آمارهای مهمی است. مسکن روستائی ساخته شد، جاده‌ها ساخته شد، بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها ساخته شد. اینها طلیعه‌ی دهه‌ی پیشرفت و عدالت است. ما گفتیم این دهه، «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» خواهد بود؛ این طلیعه‌اش است. ما سه سال از این دهه را گذراندیم. در مقابل با این دشمنان، در مقابل با این بدخواهان عنود و خبیث، این ملت فعال و پرنشاط توانسته است این پیشرفتها را به وجود بیاورد.

یک قلم بزرگ از حرکت‌های تحسین‌برانگیز ملت ایران در سال 90، همین انتخابات دوازدهم اسفند بود. البته همین جا بگویم انتخابات هنوز تمام نشده است؛ در مرحله‌ی دوم انتخابات هم مردم ما بایستی ان‌شاءالله همین شکوه و زیبایی را نشان بدهند. این انتخابات خیلی اهمیت داشت. من به شما عرض کنم، قبلاً هم گفتم؛ حدود شش ماه اینها همه‌ی تلاش خودشان را گذاشتند تا مردم را نسبت به انتخابات دلسرد کنند. گاهی گفتند در انتخابات تقلب میشود؛ گاهی گفتند مردم اگر به انتخابات نیایند، دشمنی دشمن کم میشود؛ انواع و اقسام تبلیغات را کردند برای جدا کردن مردم از مراکز رأی و صندوقهای رأی. گاهی با ترور دانشمندان ما - که در ظرف کمتر از شش ماه، سه ترور را انجام دادند - قصد داشتند مردم را بترسانند، مردم را دلسرد و ناامید کنند. در یک چنین فضائی، این انتخابات انجام گرفت؛ اما با یک چنین مشارکتی! این مشارکت بالاتر از 64 درصد، خیلی رقم مهمی است. من به شما عرض بکنم؛ از متوسط انتخابات‌های مجالس دنیا، این رقم بالاتر است. در آمریکا متوسط رقم مشارکت در انتخابات کنگره، 35 درصد است. در ده سال گذشته مشارکت مردم آمریکا در انتخابات کنگره‌شان و مجلس ملی و مجلس سناشان به 40 درصد نرسیده. خب، این را مقایسه کنید با ملت ایران - این نشاط را، این حضور را، این اظهار وجود را - آنگاه اهمیت مطلب معلوم میشود. اینها میخواستند با این فشارها، با این جو روانی، با این تهدیدها، با این ترورها، روز دوازده اسفند را روز سرخوردگی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی قرار بدهند؛ اما به عکس خواسته‌ی آنها، به کوری



چشم آنها، این روز شد روز سربلندی نظام اسلامی و ملت ایران. این انتخابات مثل يك رسانه‌ی صادق و پرقدرت عمل کرد. خبرهای ایران را تحریف میکنند، حوادث دروغین را از داخل ایران مخابره میکنند، خبرهای راست را مکتوم نگه میدارند، اما این انتخابات را نمیتوانند انکار کنند؛ واقع شده است، جلوی چشم همه است. این انتخابات به مثابه‌ی يك رسانه‌ی بزرگ و قدرتمند توانست ملت ایران و نظام اسلامی را به دنیا نشان بدهد.

خب، این رویدادهای سال 90 بود؛ سالی که اینقدر دشمنان سرمایه‌گذاری کردند تا در این سال به ملت ایران و نظام اسلامی ضربه وارد کنند. اینها بخشی از دستاوردهای سال 90 است. چرا این دشمنی‌ها را میکنند؟ من این نکته را عرض بکنم؛ بهانه‌ی دشمنی در اوقات مختلف متفاوت است. از وقتی مسئله‌ی هسته‌ای مطرح شده است، بهانه‌ی دشمنی‌ها مسئله‌ی هسته‌ای است. البته میدانند و اعتراف هم میکنند که ایران دنبال سلاح هسته‌ای نیست. واقع قضیه هم همین است. ما به دلائل خودمان، به هیچ‌وجه دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ نه تولید کردیم و نه تولید خواهیم کرد؛ این را میدانند، اما يك بهانه است. يك روز این مسئله بهانه است، يك روز حقوق بشر بهانه است، يك روز فلان مسئله‌ی داخلی بهانه است؛ اما همه‌ی اینها بهانه است. مسئله‌ی اصلی چیست؟ مسئله‌ی اصلی، حراست مقتدرانه‌ی نظام اسلامی از ثروت عظیم نفت و گاز در این کشور است. امروز و فردا - مثل دیروز - اقتدار اقتصادی و سیاسی و به تبع آن، اقتدار علمی و نظامی، متوقف است به انرژی، به نفت. تا ده‌ها سال دیگر، دنیا محتاج نفت و گاز است؛ این يك مطلب مسلم است. استکبار و قدرتهای استکباری میدانند که رگ حیاتشان به نفت و گاز وابسته است. آن روز که نتوانند این نفت ارزان را به دست بیاورند، آن روز که مجبور باشند برای تهیه‌ی نفت و گاز امتیاز بدهند و از زورگوئی دست بردارند، آن روز برای آنها مصیبت‌بار است.

از طرف دیگر، کشورهای غربی از لحاظ منابع نفتی دچار مشکل شده‌اند و روزبه‌روز مشکل آنها بیشتر خواهد شد. منابع نفتی کشورهای اروپائی و به طور کلی کشورهای غربی، بعضی چهار سال دیگر تمام خواهد شد، بعضی شش سال دیگر تمام خواهد شد، بعضی نه سال دیگر تمام خواهد شد؛ لذا مجبورند از منابع غیر خودشان استفاده کنند. کشور آمریکا که امروز حدود سی و چند میلیارد بشکه نفت ذخیره دارد، طبق محاسباتی که کارشناسان کشورمان کرده‌اند - که آمارشان متکی به آمار خود آمریکائی‌هاست - نفتش تا سال 2021، یعنی تا نه سال دیگر تمام خواهد شد. نفت دنیا که امروز بیش از پنجاه درصدش از خلیج فارس خارج میشود، آن روز متکی خواهد شد به سه منبع عمده‌ی نفتی در منطقه‌ی ما و در خلیج فارس؛ که البته یکی از آن سه منبع، ایران است، که من حالا عرض خواهم کرد. در بین همه‌ی کشورهای دنیا - این دیگر مربوط به خلیج فارس نیست - آن کشوری که موجودی نفت و گازش بر روی هم از همه بیشتر است، کشور جمهوری اسلامی ایران است. بعضی از کشورها گازشان بیشتر از ماست، بعضی نفتشان بیشتر از ماست. ما در منابع گاز، کشور دوم در دنیا هستیم - اول روسیه است، بعد ما - در منابع نفت، ما کشور چهارم هستیم؛ سه تا کشور قبل از ما منابع نفت دارند که بیشتر از ما هستند؛ لیکن اگر نفت و گاز را بر روی هم حساب کنیم، جمهوری اسلامی، کشور عزیز شما، منابعش - بر طبق آنچه که تا امروز اکتشاف شده



است - از همه‌ی کشورهای دنیا بیشتر است ؛ این خیلی چیز جذابی است برای مصرف‌کنندگان نفت در دنیا، برای دستگاه‌های استکبار که رگ حیاتشان به حاملهای انرژی، به نفت و گاز وابسته است. بنابراین ایران کشوری با یک چنین ثروتی است. آنها تا چهار سال دیگر، تا ده سال دیگر، تا پانزده سال دیگر نفتشان تمام میشود ؛ اما جمهوری اسلامی - بر طبق منابعی که تا امروز اکتشاف شده است - تا هشتاد سال دیگر نفت و گاز دارد ؛ این خیلی جذاب است. کشوری در اوج قله‌ی دارائی نفت و گاز ؛ خب، قدرتهای استکباری چه میخواهند؟ میخواهند این کشور در اختیار دولتی باشد، در اختیار نظامی باشد که مثل موم در دست آنها باشد ؛ مثل بعضی از کشورهای منطقه. این کشورها نفت دارند، زیاد هم دارند، اما مثل موم در دست آمریکائی‌هایند: اینقدر تولید کنید، چشم ؛ اینقدر قیمت بگذارید، چشم ؛ به اینجا بفروشید، به اینجا بفروشید، چشم. اگر در کشور ثروتمند ایران که قله‌ی ثروت نفت و گاز متعلق به اوست، نظامی بر سر کار باشد که غیرتمندانه از این ثروت ملی حراست کند، اجازه‌ی چپاول ندهد، اجازه‌ی تناول ندهد، تسلیم سیاستهای دشمنان نباشد، خب، با این نظام دشمنی خواهند کرد. بنابراین دشمنی با ایران اسلامی به این خاطر است.

آنهائی که خیال میکنند اگر ما در قضیه‌ی انرژی هسته‌ای عقب‌نشینی کردیم، دشمنی آمریکا تمام میشود، از این حقیقت غافلند. مشکل آنها مسئله‌ی هسته‌ای نیست. کشورهای هسته‌ای دارند، در منطقه‌ی ما هم هستند، آنها ککشان هم نمیگردد! مسئله، مسئله‌ی سلاح هسته‌ای یا صنعت هسته‌ای نیست، مسئله‌ی حقوق بشر نیست ؛ مسئله‌ی جمهوری اسلامی است که مثل شیر در مقابل اینها ایستاده است. اگر جمهوری اسلامی هم در مقابل اینها مثل بعضی از رژیمهای منطقه، حاضر بود به ملت خودش خیانت کند، در مقابل اینها تسلیم بشود، با او کاری نداشتند. مسئله‌ی اینها زیاده‌خواهی‌های استکباری است ؛ این علت دشمنی با ملت ایران است.

البته آمریکائی‌ها اشتباه میکنند. اینکه فکر کنند با ستیزه‌گری، با دشمنی، با تهدید میتوانند جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی وادار کنند، یا بتوانند جمهوری اسلامی را از میان بردارند، یک خطای بزرگ و فاحشی است ؛ چوب این خطا را هم میخورند. آنها میتوانند با ملت ایران محترمانه رفتار کنند، میتوانند به حق خودشان قانع باشند، میتوانند فاجعه‌ای را که در انتظارشان هست، ببینند و بشناسند. کشورهای غربی نمیگذارند مردمشان از فاجعه‌ی آینده‌ی نفت مطلع شوند. آنها نمیخواهند ملت‌هایشان بفهمند که در قضیه‌ی نفت و حاملهای انرژی چه چیزی در انتظار آنهاست ؛ این را نمیخواهند به ملت‌هایشان بگویند. اینها خیال میکنند با ستیزه‌گری با ملت ایران میشود کار را پیش برد، اما نمیتوانند.



این را هم من به شما عرض بکنم برادران و خواهران عزیز! ملت عزیز ایران! آمریکا با همه‌ی قدرت‌نمائی‌هایش، با همه‌ی هیاهوها و جنجال‌هایش، امروز در موضع ضعف و موضع متزلزلی است. من نمیخواهم به خبرهای پشت پرده یا به چیزهای ظاهری تمسک کنم؛ حساب من، یک حساب دو دو تا چهارتاست. ببینید، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا با شعار «تغییر» سر کار آمد. تغییر یعنی چه؟ یعنی وضعیتی داریم که بسیار بد است، من میخواهم آن وضعیت را تغییر بدهم. او با این شعار آمد توی میدان، مردم هم به خاطر شعار تغییر، به او رأی دادند؛ والا مردم نژادپرست حاضر نبودند به یک فردی که از نژاد سیاه است، رأی بدهند؛ اما رأی دادند، به امید تغییر. خب، اینکه شعار «تغییر» اینقدر در مردم اثر میگذارد، نشان‌دهنده‌ی وضع بد فعلی است. یعنی وضعی که در هنگام نامزد ریاست جمهوری شدن این آقا بر آمریکا حاکم بوده است، به اعتراف مردم آمریکا، وضع بدی بوده است و او قول داد که تغییر پیدا بشود. پس بدی مسلم شد. ما نمیخواهیم این را بگوئیم؛ خود مردم آمریکا اعتراف کردند که وضعشان بد است. خب، حالا این آقا آمد سر کار؛ آیا تغییر ایجاد کرد؟ توانست تغییر بدهد؟ توانست آن وضع بد را عوض کند؟ امروز آمریکا پانزده هزار میلیارد دلار گرفتاری و بدهکاری دارد. این بدهکاری‌ها از تولید ناخالص ملی‌شان یا بیشتر است یا برابر تولید ناخالص ملی این کشور است؛ این برای یک کشور، بدبختی و گرفتاری است. آن هم که وضع سیاسی‌شان است: مجبور شدند بدون دستاورد از عراق بیرون بیایند. در افغانستان روزبه‌روز وضعشان بدتر میشود. در پاکستان که یکی از کشورهای همراه با آنها بود، روزبه‌روز بدنام‌تر میشوند. در کشورهای اسلامی، در مصر، در شمال آفریقا، در تونس، آمریکائی‌ها از آن هیمنه کاملاً ساقط شده‌اند. علاوه‌ی بر همه‌ی اینها، جنبش تسخیر وال استریت در خود شهرهای آمریکا به راه افتاده است. این وضعیت، وضعیتی خوبی است؟ این حساب دو دو تا چهارتاست؛ این حساب پیچیده‌ای نیست. تغییر را مردم آمریکا قبول کردند؛ یعنی وضعیت کنونی بد است؛ آن وضعیت بد هم تا حالا تغییر پیدا نکرده است. بنابراین آمریکا گرفتار است.

ممکن است آمریکا خطرهایی برای کشورهای دیگر ایجاد کند؛ ممکن است دیوانگی کنند. البته من همین جا بگویم؛ ما سلاح اتمی نداریم، سلاح اتمی هم نخواهیم ساخت، اما در مقابل تهاجم دشمنان - چه آمریکا و چه رژیم صهیونیستی - برای دفاع از خودمان، در همان سطحی که دشمن حمله کند، به آنها حمله خواهیم کرد.

قرآن کریم به ما نوید داده است: «و لو قاتلكم الذین كفروا لولوا الأذبار ثم لا یجدون ولیا و لا نصیرا. سئة الله التي قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلا». (1) هیچ جا در قرآن نیامده است که اگر شما شروع به جنگ کردید، حمله کردید، حتماً پیروز خواهید شد؛ ممکن است پیروز بشوید، ممکن است شکست بخورید - همچنان که در جنگهای صدر اسلام، آنجائی که مسلمانان حمله کردند، گاهی شکست خوردند، گاهی هم پیروز شدند - اما وعده داده است که اگر دشمن ابتدا به حمله کرد، آن دشمن قطعاً شکست خواهد خورد. نباید بگوئید این مخصوص صدر اسلام است؛ نه، «سئة الله التي قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلا»؛ این قانون الهی است. ملت ایران عازم است، بانشاط است، در فکر تهاجم و تجاوز نیست؛ اما به هستی خود، به ثروت خود، به هویت خود، به اسلام خود،



به جمهوری اسلامی خود با تمام وجود دلبسته و علاقه‌مند است.

شعار امسال را قرار دادیم «تولید ملی»؛ دنباله‌اش توضیح داده شده: «حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی». یعنی شما وقتی کالای داخلی را مصرف می‌کنید، به کارگر ایرانی دارید کمک می‌کنید، اشتغال ایجاد می‌کنید، به سرمایه‌ی ایرانی هم دارید کمک می‌کنید، رشد و نمو ایجاد می‌کنید. این فرهنگ غلطی است - که متأسفانه در بخشهایی از ما حاکم است - که مصنوعات خارجی را مصرف کنیم؛ این به ضرر دنیای ماست، به ضرر پیشرفت ماست، به ضرر آینده‌ی ماست. همه مسئولیت دارند؛ دولت هم مسئولیت دارد، باید از تولید ملی حمایت کند، تولید ملی را تقویت کند.

خوشبختانه «صندوق توسعه‌ی اقتصادی» در سیاستها تصویب شد؛ مجلس شورای اسلامی آن را قانون کرد. امروز یک ذخیره‌ی باارزشی در اختیار مسئولان هست؛ می‌توانند این را در اختیار تولید ملی بگذارند. باید کار را تسهیل کنند؛ مجلس هم باید همکاری کند، دولت هم بایستی همت کند؛ بتوانند به تولید ملی رونق بدهند. مردم هم - چه آن که دارای سرمایه است، چه آن که دارای قدرت کار است - بایستی با ایجاد اتقان، همکاری کنند. محصول داخلی را باید مرغوب، باکیفیت و بادوام تولید کنیم. تا آنجائی که بتوانیم، باید قیمت تمام‌شده را ارزان تمام کنیم. این کار، همکاری همه را می‌طلبد. بخشهای گوناگون دولتی باید در این زمینه همکاری کنند - چه بخشهای پولی و مالی، چه بخشهای دیگر اقتصادی - مجلس هم باید همکاری کند، تا بتوانند این قضیه را در کشور ما تحقق ببخشند.

عمده، مردمند. شما باید کالای ایرانی بخواهید. این افتخار نیست؛ این تفاخر غلطی است که ما مارکهای خارجی را در پوشاکمان، در وسائل منزلمان، در مبلمانمان، در امور روزمره‌مان، در خوراکی‌ها مان ترجیح بدهیم به مارکهای داخلی؛ در حالی که تولید داخلی در خیلی از موارد بسیار بهتر است. من شنیدم پوشاک داخلی را که در بعضی از شهرستانها تولید میشود، می‌برند مارک خارجی می‌زنند، برمیگردانند! اگر همین‌جا بفروشند، ممکن است خریدار ایرانی رغبت نکند؛ اما چون مارک فرانسوی دارد، خریدار ایرانی همان لباس را، همان کت و شلوار را، همان دوخت را انتخاب میکند؛ این غلط است. تولید داخلی مهم است. ببینید کارگر ایرانی چه تولید کرده است، سرمایه‌دار ایرانی چه سرمایه‌گذاری کرده است. در زمینه‌ی مصرف، عمده‌ی کار دست مردم است؛ که این بخشی از اصلاح الگوی مصرف است که من دو سال قبل اینجا به ملت ایران عرض کردم، و بخشی از جهاد اقتصادی است که سال گذشته عرض کردم. تولید ملی مهم است؛ این را باید هدف قرار بدهند.



من يك توصیه هم در زمینه‌ی سیاسی بکنم. عزیزان من! برادران! خواهران! در سرتاسر کشور، امروز ما احتیاج داریم به اتحاد و یکپارچگی. بهانه‌های اختلاف زیاد است. گاهی در يك قضیه‌ای سلیقه‌ی يك نفر، دو نفر با هم یکسان نیست؛ این نباید بهانه‌ی اختلاف بشود. گاهی در کسی يك گرایش هست، در دیگری نیست؛ این نباید مایه‌ی اختلاف بشود. آراء، نظرات، همه محترمند. اختلاف در درون، منازعه‌ی در درون، موجب فشل میشود. قرآن به ما تعلیم میدهد: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم». (2) اگر منازعه کنیم، سر مسائل گوناگون - مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی، مسائل شخصیتی - دست‌به‌یقه شویم، دشمن ما جری میشود. يك مقدار از جرأتی که دشمن در سالهای گذشته پیدا کرد، به خاطر اختلافات بود. امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) به ما درس میدهد؛ میفرماید: «لیس من طلب الحقّ فاخطأه کمن طلب الباطل فأصابه». مخالفین دو جورند. يك مخالفی است که دنبال حق است، او هم دنبال جمهوری اسلامی است، او هم دنبال انقلاب است، او هم دنبال دین و خداست، منتها راه را اشتباه کرده؛ با این نباید دشمنی کرد؛ این فرق دارد با کسی که در جهت غیر نظام اسلامی، با هدف معاندانه‌ی علیه نظام اسلامی حرکت میکند. دلها را به هم نرم کنید، برخوردها را نسبت به یکدیگر مهربانانه‌تر کنید.

این رسانه‌های الکترونیکی و اینترنتی متأسفانه موجب شده است که افراد بی‌محابا علیه یکدیگر حرف بزنند، بد بگویند. باید از طرف مسئولین کشور برای این هم يك جوری تدبیر بشود. ولی عمده این است که خود ما مردم، خودمان را مقید کنیم به اخلاق اسلامی؛ خودمان را مقید کنیم به قانون. حالا این حرف من بهانه‌ای نشود برای اینکه يك عده‌ای بروند جوانهای انقلابی را به عنوان جوانهای تند، مورد ملامت و شماتت قرار بدهند؛ نه، من همه‌ی جوانهای غیور کشور را، جوانهای مؤمن انقلابی کشور را فرزندان خودم میدانم و پشت سر آنها قرار میگیرم؛ من از جوانان انقلابی و مؤمن و غیور حمایت میکنم؛ منتها همه را توصیه میکنم به این که در رفتار خود، با اخلاق اسلامی رفتار کنند؛ قانون را مراعات کنند. همه باید قانون را مراعات کنند. تجسم انقلاب در قانون جمهوری اسلامی است. مسئولان کشور هم همین جور. هم دولت حریم مجلس را حفظ کند، هم مجلس حریم دولت و رئیس‌جمهور را حفظ کند؛ با هم باشند، در کنار هم باشند. این معنایش این نیست که همه يك جور فکر کنند؛ معنایش این است که اگر دو جور فکر میکنند، دست‌به‌گریبان نشوند. هر گونه مخالفت ما با یکدیگر، هر گونه دعوا و نزاع ما با یکدیگر، دشمنان را امیدوار میکند، خوشحال میکند.

امیدوارم سال 1391 که امروز شروع شد، جزو سالهای پرنشاط و پر کار و همراه با موفقیت و خوشبختی برای ملت ایران باشد.



پروردگارا! به محمد و آل محمد، جوانان عزیز ما، ملت عزیز ما را در صراط مستقیم ثابت قدم بدار. پروردگارا! دشمنان این ملت را منکوب و مقهور بفرما. پروردگارا! این ملت عزیز و مجاهد و مقاوم را به آرزوهای بزرگش برسان. قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کن؛ ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(1) فتح: 22 و 23

(2) انفال: 46